

تجزیه و تحلیل اشکالات رایج در یادگیری زبان اسپانیایی

پردیس پرویزی*

استادیار دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران،

تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۲۴، تاریخ تصویب: ۹۸/۰۱/۲۸، تاریخ چاپ: تیر ۱۳۹۸)

چکیده

این پژوهش به خطاهای رایج در کاربرد حرف تعریف معین در زبان اسپانیایی می‌پردازد، عنصری که می‌تواند اسم را معرفی کند، دارای ارزش ملکی باشد، اسم‌ساز بوده یا هسته گروه اسمی باشد و همچنین با توجه به نیت گوینده و محیط مشترک با شنونده حذف شود. برخلاف زبان اسپانیایی، در فارسی حرف تعریفی با چنین ارزش‌هایی وجود ندارد و عناصر دیگری به جای حرف تعریف معین اسپانیایی، این ویژگی‌ها را به عهده دارند. در این تحقیق ابتدا مطالعه‌ای بر حرف تعریف معین در زبان اسپانیایی خواهیم داشت و سپس با بررسی خطاها در این زمینه، سازوکارهای جایگزین آن را در زبان فارسی بیان می‌کنیم. روش تحقیق در این جستار بر اساس تجزیه و تحلیل خطاهای زبان‌آموزان و داده‌های آماری است. این داده‌ها حاصل پرسشنامه‌ای است که توسط زبان‌آموزان ایرانی در سطوح مختلف آشنایی با زبان اسپانیایی تکمیل شده است که نشان‌دهنده تعداد بالای خطاهای زبان‌آموزان در استفاده از حرف تعریف معین اسپانیایی در گروه اسمی است. هدف از این تحقیق ارائه راهکارهایی برای کمک به فراگیری زبان اسپانیایی است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل خطا، زبان‌شناسی کاربردی، آموزش زبان، حرف تعریف معین، زبان اسپانیایی، زبان فارسی، زبان دوم.

۱- مقدمه

بر اساس تحقیقات انجام شده در سال ۲۰۱۷، جمعیتی بالغ بر ۵۶۷ میلیون نفر در جهان زبان اسپانیایی را به‌عنوان زبان مادری تکلم می‌کنند و پیش‌بینی شده است که این رقم در سال ۲۰۵۰ به ۷۵۴ میلیون نفر افزایش یابد.^۱ افزون‌براین در سال‌های اخیر، فراگیری زبان اسپانیایی نیز رشد چشمگیری در جهان داشته است به‌طوری‌که تخمین زده می‌شود که در حال حاضر ۲۱ میلیون نفر در سراسر دنیا، زبان اسپانیایی را به‌عنوان زبان دوم خارجی می‌آموزند. در ایران نیز همچون سایر نقاط دنیا شاهد افزایش تعداد زبان‌آموزانی هستیم که به‌آموزتن زبان اسپانیایی علاقمندند. اما به‌دلیل فاصله و تفاوت‌هایی زبانی که میان زبان فارسی و زبان اسپانیایی وجود دارد، بدون تردید فراگیری این زبان به‌عنوان زبان خارجی مشکلات خاص خود را برای زبان‌آموزان ایرانی فارسی زبان به‌همراه دارد. بدیهی است که عمده این تفاوت‌ها یا ریشه در قواعد دستوری میان دو زبان دارد، یا به‌دلیل وجود عناصر زبانی است که در زبان اسپانیایی از آن‌ها استفاده می‌شود، اما زبان فارسی فاقد چنین عناصری است. از برجسته‌ترین تفاوت‌ها می‌توان به‌مقوله جنسیت دستوری اسم و نیز کاربرد حرف تعریف معین در زبان اسپانیایی اشاره کرد، که هر یک به‌نوبه خود در جملات زبان اسپانیایی نمود می‌یابند و دارای ارزش‌های معنایی متفاوتی‌اند، در حالی که زبان فارسی فاقد عنصر جنسیت دستوری و حرف تعریف معین است. از همین رو، این دو مقوله دستوری از عمده مشکلات زبان‌آموزان ایرانی در فراگیری زبان اسپانیایی به‌شمار می‌روند.

در این تحقیق قصد داریم خطاهای رایج در کاربرد حرف تعریف معین در زبان اسپانیایی را در گروه‌های اسمی معین، از نظر زبان‌شناسی، دستوری، معناشناسی، همچنین در جملات نوشتاری و گفتاری بررسی کنیم، زیرا در زبان اسپانیایی حرف تعریف معین، دارای ارزش‌های مختلفی از جمله معرفه‌کردن اسم، ارزش ملکی و ارزش ارجاعی است، و در برخی از جملات کاربرد و یا عدم کاربرد آن بر بار معنایی جمله تاثیرگذار است؛ همچنین حرف تعریف مونث (*el*) و حرف تعریف کوتاه شده (*al, del*) از جمله قواعد دستوری این عنصر زبان‌شناسی‌اند و کاربرد هر یک به‌نوبه خود چالشی برای زبان‌آموزان ایرانی است.

۱- ارقام ذکر شده از گزارش منتشر شده در سال ۲۰۱۷ میلادی توسط موسسه زبان سرواتس در اسپانیا است.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق در جستار پیش‌رو، بر اساس تحلیل خطاها می‌باشد، و نتیجه تجربیات مولف در زمینه آموزش زبان اسپانیایی است. در این تحقیق، به منظور یافتن اشکالات یادگیری زبان اسپانیایی در زبان‌آموزان ایرانی، ابتدا به بررسی نمونه جملاتی در زبان اسپانیایی می‌پردازیم که در آن‌ها به طور مشخص حرف تعریف معین به کار می‌رود، اما در معادل فارسی آن‌ها سازوکارهای دیگری استفاده می‌شوند. سپس با شناسایی خطاهای رایج زبان‌آموزان در کاربرد حرف تعریف معین، راه‌حلی برای آن‌ها ارائه می‌دهیم. در پژوهشی که به منظور بررسی خطاهای زبان‌آموزان اسپانیایی توسط نگارنده انجام شده است، از ۵۸ نفر زبان‌آموز در سطح مقدماتی، متوسطه و پیشرفته خواسته شد تا بر اساس آموخته‌ها و درک معنایی صحیح خود، پرسشنامه‌ای متشکل از جملاتی از پیش طراحی شده را با حرف تعریف معین کامل کنند. بررسی پرسشنامه‌های مذکور حاکی از آن بود که از مجموع ۲۴۳۰، حرف تعریف به کار گرفته شده، توسط زبان‌آموزان ایرانی در سه سطح مذکور، تعداد ۱۶۱۳ مورد (۶۶٪) حرف تعریف به درستی به کار گرفته شد و تعداد ۸۱۷ مورد (۳۴٪) به صورت نادرست استفاده شد. سپس پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط زبان‌آموزان در هر یک از سه سطح، با معیار به کارگیری درست و نادرست حرف تعریف معین، بررسی شد و خطاهای رایج زبان‌آموزان شناسایی شد. نتیجه به دست آمده نشان داد که زبان‌آموزان در کاربرد حرف تعریف معین اسپانیایی در مجموع، دارای میزان قابل توجهی (۳۴٪) خطا هستند و اگر چه با بالا رفتن سطح زبان‌آموزان، در استفاده درست از حرف تعریف نیز پیشرفت حاصل می‌شود، اما برخی از خطاهای رایج، حتی در سطوح پیشرفته ماندگار، می‌مانند. بنابراین هدف از این پژوهش بررسی خطاها، بیان نظریه‌های مربوط و ارائه راه‌کارهایی برای فائق آمدن بر رایج‌ترین خطاهای زبان‌آموزان ایرانی در فراگیری برخی از کاربردهای مهم حرف تعریف معین در گروه‌های اسمی زبان اسپانیایی است.

۳- پیشینه

در زبان اسپانیایی حرف تعریف معین (*el, la, los, las*) همراه با اسم معرفه و حرف تعریف نامعین (*un, una, unos, unas*) همراه با اسم نکره به کار می‌رود. تاکنون مطالعات فراوانی درباره حرف تعریف در زبان اسپانیایی انجام شده است. سال‌هاست زبان‌شناسانی مانند بی‌یو^۱

(۱۸۴۷)، آلونسو^۱ (۱۹۳۳)، آلارکوس^۲ (۱۹۷۰)، لئونتی^۳ (۱۹۹۰) و نیز در دستور فرهنگستان زبان اسپانیایی^۴ (۲۰۰۹) سعی کرده‌اند تا تعریف درستی از مفهوم واقعی حرف تعریف در زبان اسپانیایی ارائه دهند، اما به دلیل اختلاف نظراتی که درباره ماهیت، ارزش، عملکرد و نقش حرف تعریف وجود دارد، تاکنون نتوانسته‌اند به اتفاق نظری در این باره دست یابند. اختلاف نظر نظریه پردازان درباره ارزش‌ها و عملکرد حرف تعریف در زبان اسپانیایی، ارائه راه‌حلی کلی درباره ماهیت و کاربردهای آن را دشوار کرده است، امری که فراگیری این عنصر کوچک زبانی را برای زبان‌آموزان اسپانیایی، به عنوان زبان خارجی، با مشکل روبرو کرده است، به طوری که کاربرد حرف تعریف معین در زبان اسپانیایی یکی از اشکالات رایج و ماندگار در زبان‌آموزانی است که ساختار معرفه‌سازی زبان مادری‌شان با زبان اسپانیایی متفاوت است. موریموتو^۵ (۲۰۱۱) در مطالعه خود درباره حرف تعریف در زبان‌های مختلف اشاره می‌کند که زبان‌هایی همچون روسی، هلندی، کره‌ای، چینی و ژاپنی فاقد یک عنصر دستوری برابر با حرف تعریف معین اسپانیایی‌اند، بنابراین کاربرد حرف تعریف معین اسپانیایی یکی از بیشترین اشکالات این زبان‌آموزان در فراگیری زبان اسپانیایی است. نتایج تحقیقات فرناندز لویز^۶ (۳۷۵، ۱۹۹۱) که خطاهای زبان‌آموزانی را که زبان مادری‌شان فرانسه، آلمانی، ژاپنی و عربی است بررسی کرده است نشان می‌دهد، که زبان‌آموزان ژاپنی در مقایسه با سایر زبان‌آموزان، بیشترین اشکالات را در کاربرد حرف تعریف معین دارند. سایتو^۷ (۳۹، ۲۰۰۵) نیز در تحقیقی مشابه که به بررسی خطاهای زبان‌آموزان ژاپنی در فرایند یادگیری زبان اسپانیایی پرداخت، به این نتیجه رسید که زبان‌آموزان ژاپنی بیشترین خطا را در به‌کارگیری حرف تعریف در زبان اسپانیایی دارند. نگارنده پژوهش حاضر نیز در تحقیقی که در همین راستا برای زبان‌آموزان ایرانی انجام داده است، به نتیجه مشابهی دست یافت و میزان قابل توجه (۳۴٪) از به‌کارگیری نادرست حرف تعریف را در زبان‌آموزان ایرانی ثبت کرد. در حقیقت فارغ از این که زبان‌آموزان در چه سطحی از زبان اسپانیایی باشند، زمانی که با یک گروه اسمی در زبان اسپانیایی مواجه می‌شوند،

1- Alonso

2- Alarcos

3- Leonetti

4- Real Academia Española

5- Morimoto

6- Fernández López

7- Saito

با کاربرد سه گزینهٔ روبرویند: استفاده از حرف تعریف نامعین (*un*)، استفاده از حرف تعریف معین (*el*) و یا عدم کاربرد دو مورد یادشده (\emptyset)، و همواره در استفاده گزینه درست تردید دارند. علت میزان بالای خطای زبان‌آموزان ایرانی و ژاپنی مورد مطالعه در تحقیقات جداگانه، ناشی از آن است که در زبان مبدا این زبان‌آموزان، حرف تعریف معین به‌آن شکلی که در زبان اسپانیایی نمایان می‌شود، وجود ندارد.

با مطالعهٔ حرف تعریف معین در زبان اسپانیایی و مقایسهٔ آن با زبان فارسی؛ می‌توان دریافت که فاصلهٔ زبانی بسیاری میان دو زبان یاد شده وجود دارد، زیرا اسم در زبان فارسی از طریق سازوکارهای زبانی دیگر معرفی می‌شود. اما از آنجایی که حرف تعریف اسپانیایی در زبان گفتار و نوشتار کاربردهای متعددی از جمله نقش‌های نحوی، معنایی، ارجاعی و دستوری دارد و با بسیاری از مقوله‌های دستور زبان اسپانیایی ارتباط دارد، زبان‌آموزان در کاربرد آن دچار خطاهای بسیاری می‌شوند.

۴- بحث و بررسی

یکی از ویژگی‌های زبان اسپانیایی و دیگر زبان‌های لاتین مانند فرانسه، ایتالیایی، پرتغالی و رومانیایی دارا بودن حرف تعریف است که یکی از انواع کلمات دستوری به‌شمار می‌رود. حرف تعریف معین در زبان اسپانیایی دارای چهار شکل مفرد مذکر و مفرد مؤنث (*el, la*)، جمع مذکر و جمع مؤنث (*los, las*) و نیز حرف تعریف خنثی (*lo*) است که شکل جمع ندارد (لئونتی، ۷۸۹، ۱۹۹۹). در زبان فارسی عنصری معادل با حرف تعریف اسپانیایی وجود ندارد. برای درک بهتر زبان‌آموزان و این که چرا باید از حرف تعریف استفاده کرد، می‌توان گفت که حرف تعریف معین در زبان اسپانیایی عملکردی مشابه با ضمائر و صفات اشاره در زبان فارسی دارد. علت این تشابه در عملکرد از آنجا ناشی می‌شود که حرف تعریف معین اسپانیایی ریشه در ضمائر اشارهٔ لاتین (*ille/illa/illud*) دارد. در میان زبان‌های لاتین، اسپانیایی اولین زبانی بود که در قرن دوازدهم میلادی حرف تعریف در آن شکل گرفت و از قرن سیزدهم میلادی بود که ادغام حرف تعریف با حرف اضافه (*al/del*) مشاهده شد (آریزا بی‌گرا، ۳۱۶، ۱۹۹۸).^۱ آندرس بی‌یو (۱۱۰، ۱۸۴۷) معتقد است ضمائر اشاره در لاتین با گذشت زمان به‌ضمایر فاعلی سوم شخص (*él/ella/ello*) تغییر شکل یافتند. در حقیقت اشکال مختلف

حرف تعریف معین (*ella/los/las/lo*) کوتاه شده همان ضمائر فاعلی‌اند و هر یک (ضمایر و حروف تعریف) در جایگاه خاص خود به کار می‌روند، بدون این‌که از نظر معنایی دستخوش تغییری شوند. بی‌یو برای اثبات نظریه خود حرف تعریف معین را با ضمائر ملکی (*mío, tuyo, suyo*) مقایسه و این‌گونه استدلال می‌کند که ضمائر ملکی نیز زمانی که به‌عنوان صفت ملکی بر اسم مقدم می‌شوند، شکل کوتاه شده به‌خود می‌گیرند (*mi, tu, su*) بدون این‌که از نظر ماهیت و یا معنا تغییری در آن‌ها ایجاد شود. بنابراین، می‌توان علت شباهت عملکرد ضمائر و صفات اشاره در فارسی با حروف تعریف معین اسپانیایی را در آن یافت که حرف تعریف در اساس، ریشه در ضمائر اشاره لاتین دارند. یادآوری این نکته که حرف تعریف در زبان اسپانیایی برخلاف ضمائر یا صفت اشاره، بدون تعیین دوری یا نزدیکی به‌اسم اشاره و آن را معرفی می‌کند. برای مثال در دو جمله *Dame la llave* (کلید را به من بده) و *Dame esta llave* (این کلید را به من بده)، حرف تعریف معین (*la*) و ضمیر اشاره (*esta*) هر دو عملکرد یکسانی دارند و اسم *llave* (کلید) را معرفی کرده‌اند، اما برخلاف ضمیر اشاره *esta* که مکان قرار گرفتن کلید را مشخص می‌کند و نزدیکی آن را به‌گوینده نشان می‌دهد، حرف تعریف *la* چنین ویژگی را ندارد. در جملات فارسی فوق نیز به‌همین شکل است، با این تفاوت که در فارسی هیچ معادلی برای حرف تعریف وجود ندارد (کلید را به من بده) و اسم کلید بدون نشانه و فقط از طریق محیط مشترک میان مخاطب و شنونده معرفی شده است. اما در جمله (این کلید را به من بده) صفت اشاره (این) علاوه بر اشاره به‌نزدیک بودن کلید، آن را معرفی نیز کرده است. پس مدرسان زبان اسپانیایی می‌توانند در پاره‌ای از موارد با شبیه‌سازی کاربرد حرف تعریف معین اسپانیایی با صفات و ضمائر اشاره در زبان فارسی، به‌زبان‌آموزان ایرانی کمک کنند تا درک درستی از عملکرد حرف تعریف معین در زبان اسپانیایی داشته باشند.

از نظر زبان‌شناسی، حرف تعریف معین نوع بسیار پیچیده‌ای از کلمه در زبان اسپانیایی است که دارای ارزش‌های متفاوتی است و پرداختن به تمام نقش‌ها و کاربردهای آن فرصت بیشتری می‌طلبد. از این‌رو، در این پژوهش فقط به‌بررسی آن دسته از خطاهای این مقوله دستوری در زبان اسپانیایی می‌پردازیم که زبان‌آموزان ایرانی در به‌کارگیری آن دچار اشکالات بیشتریند و راه‌حلی در این ارتباط ارائه خواهیم داد.

۵- تحلیل و دسته‌بندی خطاها

در دهه هفتاد میلادی رویکرد تحقیق بر اساس تحلیل خطاها به‌عنوان شاخه‌ایی از زبان‌شناسی کاربردی رواج یافت و هدف آن مطالعه و بررسی خطاهای زبان‌آموزانی است که خواهان یادگیری زبان خارجی‌اند، تا به‌این ترتیب؛ دلایل بروز خطا و نیز سازوکارهای که زبان‌آموزان در روند یادگیری زبان دوم به‌کار می‌برند شناخته شود.

نظریه تحلیل خطا پس از مطالعات فراوان، توسط پیت کورد^۱ بنیان‌گذاری شد. پیش از نظریه او، فرض بر آن بود که بسیاری از اشکالات زبان‌آموزان، ناشی از درک نادرست از قواعد زبان جدید است و این خطاها به‌عنوان نقص می‌بایست برطرف می‌شدند. اما کورد در سال ۱۹۶۷ در مقاله‌ای^۲ نظریه بکلی متفاوتی ارائه کرد. او عقیده داشت که خطاها دارای اهمیت به‌سزایی در فرایند یادگیری زبان دوم‌اند. به‌نظر کورد تجزیه و تحلیل خطاهایی که زبان‌آموزان به آن دچار می‌شوند، به‌مدرسان زبان یادآور می‌شود که به‌هنگام آموزش به‌چه گستره‌هایی باید توجه ویژه‌تری داشته باشند.

در نظریه تجزیه و تحلیل خطا، برخلاف تحلیل مقابله‌ای، خطا عنصری است که باعث آگاهی زبان‌آموز از روند یادگیری می‌شود. پیروان نظریه تحلیل خطا تاکید می‌کنند، همان‌گونه که یک کودک قادر نیست زبان مادری را از ابتدا به‌درستی تولید کند، پس نمی‌توان انتظار داشت که زبان‌آموز نیز از همان ابتدای فراگیری زبان دوم، ساختار و جملات آن را همانند سخنوران زبان مقصد به‌کار برد. برخلاف تحلیل مقابله‌ای، رویکرد تحلیل خطا، مقایسه زبان مادری با زبان مقصد نیست، بلکه هدف بررسی جملات و ساختارهای حقیقی است که توسط زبان‌آموزان در زبان مقصد تولید شده، یافتن اشکالات زبان‌آموزان، طبقه‌بندی خطاها و نیز بیان علت بروز آن‌ها و سرانجام ارائه راه‌حل‌هایی در این‌باره است.

بنابراین در این پژوهش، بر اساس روش تحلیل خطا که بر نظریه کورد استوار است و نیز بر اساس پرسشنامه‌ای که به‌همین منظور توسط زبان‌آموزان تکمیل شده است، پس از شناسایی خطاهای رایج زبان‌آموزان ایرانی در کاربرد حرف تعریف اسپانیایی، به‌دسته‌بندی خطاها می‌پردازیم. به‌نظر نگارنده، می‌توان خطاهای زبان‌آموزان را در به‌کارگیری حرف تعریف معین اسپانیایی به‌دو دسته تقسیم کرد: (۱) خطاهای بدون قرابت با سازوکارها و ساختارهای زبان مبدا

1- Corder

2- The significance of learner's errors

(زبان فارسی)، ۲) خطاهای دارای قرابت با سازوکارها و ساختارهای زبان مبدا. سپس به بررسی عواملی که باعث بروز خطاها می‌شوند، می‌پردازیم. خطاها ممکن است تحت تاثیر زبان مبدا یا تحت تاثیر زبان خارجی دیگری، مانند انگلیسی و غیره و یا به دلیل فاصله زبانی بسیاری که میان زبان مبدا و مقصد وجود دارد، بروز کنند. پس از آن راهکارهایی برای برطرف شدن خطاها ارائه خواهیم داد.

۱-۵- خطاهای بدون قرابت با سازوکارهای زبان مبدا

در خطاهای دسته شماره (۱) مواردی جای خواهند گرفت که کاربرد حرف تعریف معین در آن‌ها یا نیازی زبانی است، یا جنبه معنانشناسی دارد و یا تابع قواعد دستور زبان اسپانیایی است. از آن جمله می‌توان به کاربرد حرف تعریف با فاعل در جایگاه نخست جمله، کاربرد حرف تعریف با اسامی غیرقابل شمارش، کاربرد و عدم کاربرد حرف تعریف معین، حرف تعریف کوتاه شده (al/del) و نیز به حرف تعریف مونث (el) اشاره کرد.

۱-۱-۵- حرف تعریف به همراه اسم در نقش فاعل

استفاده از حرف تعریف معین به همراه اسم در نقش فاعل در ابتدای جمله جز قواعد دستور زبان اسپانیایی نیست، بلکه یک نیاز زبانی در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، ماهیت زبان اسپانیایی به گونه‌ای است که ایجاب می‌کند؛ که اسم مفرد در نقش فاعل در ابتدای جمله معرفی باشد. حرف تعریف معین در این نوع کاربرد، دارای ارزش منطقی است که بر اسم (در نقش فاعل) مقدم شده و از نظر شمار و جنسیت دستوری با آن مطابقت می‌کند (آلونسو، ۱۲۸-۱۲۷، ۱۹۳۳). البته با بررسی پرسشنامه تهیه شده در این پژوهش، ملاحظه شد که زبان‌آموزان در این زمینه دچار خطاهای مانند موارد زیر شده‌اند:

- (1) *Parque de nuestro barrio es pequeño. پارک محله ما کوچک است.
- (2) *Abuela lee un cuento para los niños. مادربزرگ برای بچه‌ها قصه‌ای می‌خواند.
- (3) *Periodista publica su artículo. روزنامه‌نگار مقاله‌اش را منتشر می‌کند.

ترتیب خطی^۱ جمله در زبان اسپانیایی به شکل (SVO) [فاعل + فعل + مفعول] می‌باشد و به طور معمول فاعلی که بر فعل مقدم می‌شود، همواره یا با حرف تعریف معین و یا با یکی

1- Orden lineal

دیگر از تعیین‌کننده‌های گروه اسمی ظاهر می‌شود (ماریا آلبارز مارتینز، ۲۰۶، ۱۹۸۶).^۱ قرار گرفتن فاعل به‌عنوان اولین جزء از اجزای ترتیب خطی در زبان اسپانیایی از آنجا ناشی می‌شود که نخست‌گیننده قصد برجسته‌کردن آن را دارد، دوم، جزئی از جمله است که برای گوینده و شنونده شناخته شده است. بنابراین فاعل زمانی می‌تواند در جایگاه اول در ترتیب خطی قرار گیرد و بر فعل مقدم شود که معرفه باشد و حرف تعریف آن را معرفه می‌کند (بلتی و ریزی،^۲ ۱۹۸۷).^۳ به‌همین دلیل در جمله‌های شماره (1)، (2) و (3) به ترتیب کلمات *parque* (پارک)، *abuela* (مادربزرگ)، *periodista* (روزنامه‌نگار) اسم‌های مفرد در نقش فاعل اند و با توجه به ماهیت زبان اسپانیایی کاربرد حرف تعریف معین (*el*)، (*la*) و (*el*) به ترتیب ضروری است.^۴ اما زبان‌آموزان به اشتباه حرف تعریف معین را حذف کرده‌اند. اگرچه ترتیب خطی در زبان فارسی (SOV) با ترتیب خطی در زبان اسپانیایی (SVO) متفاوت است، ولی وجه تشابه دو زبان در جایگاه نخست فاعل در جمله است، با این تفاوت که معرفه بودن فاعل در زبان اسپانیایی با حرف تعریف معین بازتاب می‌یابد. اما در میان زبان‌آموزان چه بسیار دیده می‌شود که فاعل را در زبان اسپانیایی بدون حرف تعریف معین به‌کار می‌برند. این لغزش یا ناشی از بی‌توجهی زبان‌آموز است و یا تحت تاثیر زبان مبدا رخ می‌دهد، زیرا در زبان فارسی اسم در نقش فاعل به‌تنهایی و بدون هیچ نشانگری (\emptyset) خود معرفه است و نیاز به هیچ نشانگری برای معرفه شدن ندارد. به‌همین دلیل ممکن است زبان‌آموزان به تبعیت از زبان مادری، اسم را در نقش فاعل بدون حرف تعریف معین به‌کار برده‌اند که البته در زبان اسپانیایی خطا خواننده می‌شود.

نکته دیگری که درباره حرف تعریف حائز اهمیت است، نقش این عنصر زبان‌شناسی در تعیین جنسیت برخی از اسم‌ها در زبان اسپانیایی است. اگرچه بیشتر اسم‌ها در این زبان دارای واج مشخصی برای تعیین جنسیت مذکر و مونث‌اند (*casa, piso*)، اما برخی از اسامی عام^۵

1- Álvarez Martínez

2- Belletti y Rizzi

۳- در ترتیب وارونه جمله در زبان اسپانیایی (*orden envolvente*)، اسمی که نقش فاعل را ایفا می‌کند می‌تواند در جایگاهی غیر از جایگاه اول با حرف تعریف معین یا نامعین و یا بدون حرف تعریف به‌کار رود.

۴- بایسته یادآوری است که در زبان اسپانیایی مواردی نیز وجود دارند که در ترتیب خطی، اسم در نقش فاعل بدون حرف تعریف معین ظاهر می‌شود که البته این موارد نادرند و بهتر است که در سطوح بالای آموزش زبان اسپانیایی، به زبان‌آموزان آموخته شود.

5- Nombres comunes

مانند (... , *periodista, taxista, turista, estudiante, dentista*) فاقد چنین واجی‌اند و برای مذکر و مونث یکسان به کار می‌روند و حرف تعریف، عنصر تعیین کننده جنسیت در این دسته از اسم‌هاست. در جمله شماره (3) نه تنها کاربرد حرف تعریف معین با اسم مفرد در نقش فاعل یک نیاز زبانی است، بلکه تعیین کننده جنسیت دستوری اسم نیز است، مانند: *el periodista* (روزنامه‌نگار مرد) و *la periodista* (روزنامه‌نگار زن). پس حرف تعریف معین در زبان اسپانیایی، افزون بر نقش معرفه‌سازی اسم، گاهی تعیین‌گر جنسیت دستوری اسم نیز می‌شود. این در حالی است که اسم در زبان فارسی فاقد هر گونه جنسیت دستوری است. بنابراین زبان آموز با حذف حرف تعریف معین در جمله شماره (3) نه تنها سازوکار معرفه‌سازی در زبان اسپانیایی، بلکه مقوله جنسیت دستوری را که از عناصر جدایی‌ناپذیر اسم در این زبان است و در این جمله با کمک حرف تعریف معین نمایان می‌شود، نادیده گرفته است.

در زبان اسپانیایی عدم استفاده از حرف تعریف معین به همراه اسم در نقش فاعل در ابتدای جمله غیر معمول است، زیرا کاربری آن، نیازی زبانی در اسپانیایی به شمار می‌رود و نمی‌توان این نوع خطا را نادیده گرفت. بنابراین پیشنهاد می‌شود آموزگاران زبان با ارائه تمرین‌هایی مانند نمونه‌های زیر، از زبان‌آموزان بخواهند که جای خالی را با حرف تعریف معین مناسب پر کنند:

- niño hace los deberes.
- restaurante tiene un menú barato.
- puerta del garaje está rota.
- estudiante más lista gana el premio.
- turistas visitan la ciudad.

با تمرین‌هایی از این نوع، زبان‌آموزان هم کاربرد حرف تعریف همراه با اسم در نقش فاعل را در ابتدای جمله می‌آموزند و هم به اهمیت آن در تعیین جنسیت اسم پی خواهند برد: *El niño, El restaurante, La puerta, El/La estudiante, Los/Las turistas*.

۵-۱-۲- حرف تعریف معین و اسم غیر قابل شمارش

در زبان اسپانیایی اسم‌هایی وجود دارند که اصطلاحاً اسم برهنه^۱ نامیده می‌شوند، زیرا حرف تعریف نمی‌تواند آن‌ها را همراهی کند. در حقیقت این گروه از اسم‌ها، به دلیل ماهیت

1- Nombres escuetos

معنایی برخی از افعال، می‌توانند بدون نیاز به تعیین‌کننده‌ها در ساختار جمله ظاهر شوند. با بررسی پرسشنامه تکمیل شده در این تحقیق، مشاهده شد که زبان‌آموزان به‌اشتباه برای این دسته از اسم‌های برهنه از حرف تعریف استفاده کرده‌اند، مانند:

4) *Tengo *el* hambre. گرسنه‌ام.

5) *En verano hace *el* calor. تابستان هوا گرم است.

6) *Isabel tiene *el* miedo de los perros. ایزابل از سگ‌ها می‌ترسد.

استفاده از حرف تعریف (*el*) در جمله‌های شماره (4)، (5) و (6) نادرست است. کاربرد پیچیده حرف تعریف و این‌که در چه مواردی کاربری آن اشتباه است، زبان‌آموزان را سردرگم می‌کند و همواره این سوال ذهن آن‌ها را به‌خود مشغول می‌کند که چرا گاهی حرف تعریف معین به‌کار نمی‌رود؟ که البته چه بسیار هیچ جوابی برای آن نمی‌یابند و دچار لغزش‌های مانند نمونه‌های فوق می‌شوند. در اینجا با بیان یک نظریه زبان‌شناسی دلیل آن را تبیین می‌کنیم. در زبان فارسی، نبود هرگونه نشانگر و یا تعیین‌کننده‌ای در گروه اسمی، پیش از اسم معرفه، امری طبیعی و از نظر دستوری خالی از اشکال است، ولی در زبان اسپانیایی نبود حرف تعریف پیش از اسم در تمام موارد صادق نیست، بلکه حرف تعریف بسته به نوع فعل و نوع اسم یا به‌کار می‌رود و یا حذف می‌شود. اسم‌های غیرقابل شمارشی مانند: *agua* (آب)، *arroz* (برنج)، *miedo* (ترس)، *frío* (سرد)، *calor* (گرم)، *leche* (شیر)، *hambre* (گرسنه) در همراهی با افعالی مانند: *tener*, *dar*, *hacer* که از ارزش معنایی بسیار کمی برخوردارند،^۱ بی‌نیاز از حرف تعریف‌اند (بوسکه^۲، ۴۸-۴۶، ۱۹۹۶). البته این قاعده درباره همه افعال صدق نمی‌کند. مثلاً می‌توان گفت *tener miedo* (ترس داشتن) چون بار معنایی این عبارت را اسم (*miedo*) (+) بر عهده دارد و نه فعل (*tener*) (-). اما نمی‌توان گفت **vencer miedo* (بر ترس غلبه کردن)، زیرا ارزش معنایی فعل *vencer* (+) بالا است، بنابراین اسم *miedo* اگرچه غیرقابل شمارش است، اما در این‌باره باید از حرف تعریف معین (*vencer el miedo*) استفاده شود.

1- Verbos soporte

2- Bosque

۳- در برخی از عبارت‌ها مانند *dar las gracias* (تشکر کردن)، *dar la bendición* (برکت دادن) و غیره قاعده مذکور صدق نمی‌کند و استفاده از حرف تعریف معین الزامی است.

جدول ۱: بار معنایی فعل و اسم غیر قابل شمارش

بار معنایی فعل	حرف تعریف معین	بار معنایی اسم غیر قابل شمارش	مثال
+	el	+	<i>vencer el miedo; comer el arroz; beber la leche (o el agua)</i>
-	∅	+	<i>tener miedo; hace frío; dar agua</i>

بایسته یادآوری ست که بودن یا نبودن حرف تعریف در نمونه‌های فوق، تاثیری در ترجمه فارسی آن‌ها ندارد و همین امر ابهامات زیادی در زبان‌آموزان ایجاد می‌کند و یادگیری کاربرد یا عدم کاربرد حرف تعریف را دشوارتر می‌کند. بنابراین با آگاهی از این قاعده، می‌توان همانند جدول شماره (۱) مثال‌ها و تمرین‌هایی به زبان‌آموزان ارائه داد تا اسم‌های غیر قابل شمارش و افعالی را که بار معنایی کم (-) و زیاد (+) دارند، بشناسند و نیز بدانند هرگاه هم فعل (+) و هم اسم (+) هر دو دارای ارزش معنایی بالایی‌اند، باید از حرف تعریف معین استفاده کنند، ولی اگر فعل، بار معنایی کم (-) و اسم، بار معنایی زیادی (+) داشته باشد، نیازی به کاربرد حرف تعریف نیست. به این ترتیب بدون تردید، میزان خطای زبان‌آموزان در مواردی که استفاده از حرف تعریف اشتباه محسوب می‌شود، به‌طور قابل توجهی کاهش خواهد یافت.

۵-۱-۳- کاربرد و عدم کاربرد حرف تعریف معین

گاهی در زبان اسپانیایی یک گروه اسمی در جملات اسمیه یا فعلیه می‌تواند با حرف تعریف معین و یا بدون آن ظاهر شود. اما این به آن معنا نیست که کاربرد یا عدم کاربرد آن انتخابی است، زیرا بودن و یا نبودن حرف تعریف معین بار معنایی جمله را تحت تاثیر قرار می‌دهد و در نتیجه مشکلاتی را در امر یادگیری برای زبان‌آموزان به وجود می‌آورد. به‌ویژه آن‌که در زبان فارسی معادلی برای حرف تعریف معین اسپانیایی، وجود ندارد. در حقیقت با استفاده و یا عدم استفاده از حرف تعریف معین در زبان اسپانیایی گوینده می‌تواند مفاهیم متفاوتی را به‌شنونده انتقال دهد که شنونده نیز از نظر معناشناسی پیام‌های متفاوتی دریافت خواهد کرد. نظریه آلونسو (۱۹۳۳) که نگارنده نیز در این پژوهش برای مطالعه کاربرد و عدم کاربرد حرف تعریف معین بر آن تکیه می‌کند، حاکی از آن است که تقابل بین اسم معین و

نامعین در زبان اسپانیایی با حرف تعریف و نبود آن [el/Ø] نمایان می‌شود. شاید برای زبان‌آموزان ایرانی دو جمله *compré moto* و *compré la moto* یکسان به نظر برسند، اما بودن یا نبودن حرف تعریف (*la*) معنای جمله را تغییر می‌دهد. به طوری که مطابق با نظریه آلونسو ظهور حرف تعریف (*la moto*) بیانگر آن است که موتور اسمی حقیقی است و برای گوینده و شنونده شناخته شده است. اما استفاده نکردن از حرف تعریف (*Ø moto*)، به موتور به عنوان اسمی انتزاعی اشاره دارد. آلاکوس (۶۸، ۱۹۸۴) نیز همچون آلونسو معتقد است که تضاد بین اسم شناخته شده و ناشناخته در زبان اسپانیایی با حرف تعریف و نبود آن (*el/Ø*) مشخص می‌شود. اما براساس نظریه آلاکوس، نبود حرف تعریف بیانگر اسمی عام از همان گروه است، در حالی که استفاده از حرف تعریف معین، دال بر معرفه بودن اسم است.

در زبان فارسی اگر اسمی برای مخاطب یا خواننده شناخته شده باشد، معرفه نامیده می‌شود (کتاب را از محمد گرفتم). اسم‌های معین یا شناس در زبان فارسی معمولاً علامت خاصی ندارند (Ø) و بی‌علامتی حاکی از معرفه بودن اسم برای خواننده یا مخاطب است. اگر اسمی برای شنونده ناشناخته باشد، آن را نکره گویند (کتابی از محمد گرفتم). نشانه‌های اسم نکره در فارسی یک و-ی می‌باشند (گیوی و انوری، ۸۵-۸۲، ۱۹۹۸) (ماهوتیان، ۱۹۴-۱۸۵، ۱۹۹۹).^۱ بنابراین تقابلی که به ترتیب برای اسم معین و نامعین در زبان اسپانیایی وجود دارد [el/Ø] با زبان فارسی یکسان نیست [(یک-ی)/Ø] و به شکل دیگر است.

جدول ۲: نشانه‌های اسم معین و نامعین در زبان فارسی و اسپانیایی

اسم نامعین	اسم معین	
یک-ی	Ø	فارسی
Ø	el	اسپانیایی

جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که اسم نامعین در اسپانیایی (بر اساس نظریه آلونسو و آلاکوس) و اسم معین در زبان فارسی نشانه‌ای ندارند (Ø). این تضاد و فاصله زبانی میان اسپانیایی و فارسی، موجب سردرگمی و در نتیجه خطای زبان‌آموزان می‌شود. در عمل زبان‌آموزان نیاز زبانی برای کاربرد حرف تعریف معین برای معرفه کردن اسم را در ذهن خود

۱- اسم معرفه در زبان فارسی اقسامی دارد که توضیح آن در این جستار نمی‌گنجد.

احساس نمی‌کنند، چون در زبان مادری‌شان اسم معرفه بی‌نشان است. البته باید توجه داشت که در زبان فارسی بی‌علامت بودن (\emptyset) اسم همواره نشان از معرفه بودن آن نیست. در مثال موتور خریدم (compré moto) اگرچه در ساختار سطحی^۱ جمله فارسی اسم موتور فاقد هرگونه نشانه‌ای است، اما معرفه نیست، زیرا در ساختار عمیق^۲ جمله علامت نکره نهفته است (یک موتور/ موتوری خریدم). معمولاً در ساختارهای شفاهی جملات و در گفتار علامت نکره در بافت سطحی جمله حذف می‌شود. حال در جمله موتور را خریدم (compré la moto) اسم موتور معین و معرفه است چون در اینجا نقش مفعولی دارد و نشانه مفعولی (را) آن را همراهی می‌کند. اما در معادل اسپانیایی آن از حرف تعریف (la) برای معرفه کردن اسم (moto) استفاده شده است. شاید گمان شود که نشانه مفعولی (را) معادل با حرف تعریف معین در اسپانیایی است، ولی این تصور درستی نیست، چون حرف تعریف در زبان اسپانیایی با هر اسمی، در هر نقشی همراهی می‌کند، اما علامت (را) در زبان فارسی فقط با اسمی که نقش مفعول را ایفا می‌کند به کار می‌رود.

استفاده یا عدم استفاده نابجای حرف تعریف معین در یک گروه اسمی در زبان اسپانیایی خطاست، زیرا این ویژگی به‌جانبه معناشناسی زبان اسپانیایی مربوط می‌شود و در معنای جمله تاثیرگذار است و نشان می‌دهد که اسم حقیقی است و برای شنونده و مخاطب شناخته شده است و یا اسمی انتزاعی در مفهوم عام است که برای شنونده شناخته شده نیست. کاربرد یا عدم حرف تعریف به‌عنوان یک عنصر کوچک زبانی، می‌تواند ابهامات بسیاری را در ذهن زبان‌آموزان به‌وجود آورد و مانع از برداشت درست آنان از مفهوم جمله شود. بدیهی است با آگاهی از این ظرافت زبانی و نیز با بیان ساده این نظریه‌ها و مفاهیم در کلاس، می‌توان تا حدی تفاوت معنایی را که در بودن یا نبودن حرف تعریف وجود دارد به‌زبان‌آموزان انتقال داد و بسیاری از ابهامات‌شان را برطرف کرد. همچنین ضروری است تا مدرس با ارائه منابع و تهیه تمریناتی در این‌باره انگیزه لازم را در زبان‌آموزان ایجاد کند تا به‌این ترتیب آن‌ها به‌سهولت بتوانند درک درست معنایی از استفاده یا عدم استفاده از حرف تعریف معین داشته باشند و پاسخی منطقی برای سوالات خود در این زمینه بیابند.

1- Estructura superficial

2- Estructura profunda

۵-۱-۴- حرف تعریف کوتاه شده

حرف تعریف کوتاه شده^۱ یکی از قواعد دستور زبان اسپانیایی است که مطابق آن حرف تعریف معین مفرد مذکر (*el*) که جزئی از انواع تعیین کننده‌های اسم است و آن را معرفه می‌کند، با حروف اضافه ادغام می‌شود (*al / del*). این قاعده با حرف تعریف مفرد مونث (*la*) و یا حرف تعریف جمع مذکر (*los*) و جمع مونث (*las*) ممکن نیست.^۲ زبان فارسی معادل‌های حروف اضافه اسپانیایی را دارا است، اما اسم معرفه در زبان فارسی برخلاف زبان اسپانیایی، هیچ علامت خاصی ندارد (گیوی و انوری، ۱۹۸۸، ۸۳). در حرف تعریف کوتاه شده در زبان اسپانیایی که از یک حرف تعریف و یک حرف اضافه تشکیل می‌شود، حرف تعریف نقش معرفه‌سازی را در آن گروه اسمی ایفا می‌کند و حرف اضافه (*a*) بیانگر جهت است و حرف اضافه (*de*) مبدا را نشان می‌دهد. در ادامه برخی از خطاهای زبان‌آموزان را در این‌باره بررسی می‌کنیم:

(7a) *Llegué a trabajo a las 8 y me fui de trabajo a las 14.

(7b) *Llegué a el trabajo a las 8 y me fui de el trabajo a las 14.

(7c) Llegué al trabajo a las 8 y me fui del trabajo a las 14.

معنای جمله‌های شماره (7a)، (7b) و (7c) در زبان فارسی یکسان است (ساعت ۸ سر کار رسیدم و ساعت ۱۴ از سر کار رفتم). یکی از اشکالات شایع در زبان‌آموزان که در جمله شماره (7a) با ستاره (*)^۳ مشخص شده است، کاربرد حرف اضافه (*a*) و بدون حرف تعریف (*el*) است و برخلاف قاعده دستور زبان اسپانیایی حرف تعریف کوتاه شده حذف شده است که خطای دستور محسوب می‌شود. در جمله شماره (7b) زبان‌آموز حرف تعریف و حرف اضافه را بدون رعایت شکل کوتاه شده آن به کار برده است (*a el*) و (*de el*) که از نظر دستوری نادرست است. جمله شماره (7c) کاربرد صحیح حرف تعریف کوتاه شده را نشان می‌دهد. علت بروز این اشکالات به دلیل وجود فاصله زبانی میان زبان فارسی و زبان اسپانیایی است. عدم وجود حرف تعریف در زبان فارسی سبب شده است که زبان‌آموزان درک ذهنی روشنی برای استفاده از حرف تعریف در زبان اسپانیایی و یا به کارگیری شکل کوتاه شده آن

1- Artículo contracto

۲- حرف تعریف کوتاه شده در مورد اسم‌های خاص اعمال نمی‌شود.

۳- جمله‌هایی که از این پس با ستاره (*) مشخص شده‌اند، از نظر دستوری خطا محسوب می‌شوند.

نداشته باشند. به همین منظور می‌توان از زبان‌آموزان خواست تا در تمرین‌هایی مانند نمونه‌های زیر، گزینه درست داخل پرانتز را انتخاب کنند:

Se tropezó (*de el -del*) susto.

El profesor nos dejó salir a jugar (*al- a el*) patio.

Ayer llegué (*al - a el*) colegio muy tarde.

Vengo (*del - de el*) partido de tenis con Juan.

Granada es una ciudad (*del - de el*) sur de España.

چنین تمرین‌هایی زبان‌آموزان را آگاه می‌کند تا دقت بیشتری در به‌کارگیری قاعده دستوری حرف تعریف کوتاه شده داشته باشند. مدرسان نیز با ارائه تمرین‌های فراوان در این زمینه، می‌توانند توانایی زبان‌آموزان را تقویت کنند.

۵-۱-۵- حرف تعریف مونث (*el*)

حرف تعریف مونث (*el*) یکی دیگر از کاربردهای دستوری زبان اسپانیایی است. از نظر ریشه‌شناسی حرف تعریف مونث (*la*) در زبان اسپانیایی از ضمیر اشاره لاتین گرفته شده و به تدریج تغییر یافته (*illa > (e)la*) و امروزه دارای دو شکل (*ella*) می‌باشد. حرف تعریف (*el*) مونث نامیده می‌شود، چون همراه با اسم‌هایی با جنسیت مونث ظاهر می‌شود و کاربردش مشروط بر آن است که اولین هجای اسمی که با حرف (*a-*) و یا (*ha-*) شروع می‌شود، پر فشار باشد، فارغ از این که اکسانت املایی داشته باشد (*área, África*) و یا نداشته باشد (*ala, agua, hada*) (دستور جدید زبان اسپانیایی، ۱۰۲۳، ۲۰۰۹).^۱ استفاده حرف تعریف مونث (*el*) به جای (*la*) به این دلیل است که مجاورت دو حرف صدادار (*a*) یکی مربوط به حرف تعریف مونث (*la*) و دیگری مربوط به اسمی که هجای نخست آن پر فشار است، تلفظ آن را از نظر آوایی دشوار می‌کند (**la área*).^۲ شباهت حرف تعریف مفرد مونث (*el*) با حرف تعریف مفرد مذکر (*el*) زبان‌آموزان را دچار خطا می‌کند. بنابراین باید به زبان‌آموزان یادآور شد که به کار بردن حرف تعریف (*el*) لزوماً به این معنا نیست که اسم از نظر دستوری دارای جنسیت مذکر است. در بررسی پرسشنامه، مواردی از خطاها مشاهده شدند که بیانگر آن است که زبان‌آموزان در به‌کارگیری این قاعده دچار مشکل‌اند، مانند نمونه‌های زیر:

1- Nueva Gramática de la Lengua Española

2- Cacofonía

8a) **La área está protegida.* منطقه حفاظت شده است.

8b) **El área está protegido.* منطقه حفاظت شده است.

در جمله شماره (8a) زبان آموز به جای حرف تعریف مونث (*el*) که برای اسم مفرد مونث *área* که با حرف (*-á*) که با هجای پر فشار شروع شده به کار می رود، به اشتباه از حرف تعریف مونث (*la*) استفاده کرده است. علت اصلی بروز این خطا در این است که زبان آموزان فقط به این دلیل که اسم *área* به حرف (*-a*) که بیانگر جنسیت دستوری مونث است ختم شده است، به اشتباه از حرف تعریف مفرد مونث (*la*) استفاده می کنند، در حالی که باید آگاه بود که این قاعده همواره صدق نمی کند و موارد استثنا هم وجود دارد. حال زبان آموز دیگری در جمله شماره (8b) حرف تعریف مونث (*el*) را به درستی استفاده کرده است، اما در انتخاب جنسیت صفت (*protegido*) دچار خطا شده است. علت این اشتباه از آنجا ناشی می شود که زبان آموز نمی داند که در کلماتی مانند *área* فقط حرف تعریف مفرد به شکل (*el*) به کار می رود و حرف تعریف جمع (*las*) و صفات (*protegida*) باید جنسیت مونث خود را حفظ کنند.

جدول ۳: کاربرد حرف تعریف (*el*) با اسم مفرد و جمع و تطابق صفت با اسم در جنسیت

اسم مفرد	اسم جمع	تطابق صفت با اسم مفرد در جنسیت	تطابق صفت با اسم جمع در جنسیت
El agua	Las aguas	El agua fría	Las aguas frías
El ala	Las alas	El ala blanca	Las alas blancas
El hacha	Las hachas	El hacha pesada	Las hachas pesadas
El área	Las áreas	El área limpia	Las áreas limpias
El arma	Las armas	El arma automática	Las armas automáticas
El águila	Las águilas	El águila negra	Las águilas negras

بدیهی است که برای اصلاح این نوع خطاها بهتر است قاعده دستوری یاد شده را با ارائه مثال هایی مانند جدول شماره (۳) به روشنی به زبان آموزان توضیح داد. این جدول نمونه های از اسم هایی را که با حرف (*-a*) و یا (*-ha*) پر فشار شروع می شوند، نشان می دهد و به خوبی

زبان‌آموزان را آگاه می‌کند که این دسته از اسم‌ها فقط در شکل مفرد حرف تعریف (el) به خود می‌گیرند (*el agua*)، اما حرف تعریف این اسم‌ها در حالت جمع باید به شکل مونث (*las*) باشد (*las aguas*). همچنین با مثال‌های دیگری می‌توان به زبان‌آموزان نشان داد که تطابق صفات در این گونه اسم‌ها چه در حالت مفرد و چه در حالت جمع باید با جنسیت مونث اسم تطابق داشته باشد (*El agua fría; Las aguas frías*) و نباید صفت را به شکل مذکر (*el agua frío*) به کاربرد.

باید توجه داشت که در دو خطای دستوری که به آن‌ها اشاره کردیم، کاربرد نادرست حرف تعریف کوتاه شده افزون بر بروز خطای دستوری، بر معنای جمله نیز تاثیر می‌گذارد و مفهوم جمله به درستی انتقال داده نمی‌شود، زیرا حرف تعریف اسمی را که همراهی می‌کند معرفی می‌کند و عدم کاربرد آن موجب تغییر معنی آن می‌شود، در حالی که در مورد حرف تعریف مونث (*el*) استفاده نادرست حرف تعریف اگرچه خطای دستوری محسوب می‌شود و بر جنبه آوایی آن تاثیرگذار است، اما از نظر ارتباطی و درک مفهوم گروه اسمی مشکلی ایجاد نمی‌کند. در مجموع، شناسایی خطاها در دسته‌بندی شماره (۱) یعنی خطاهای که ناشی از عدم وجود قرابت میان سازوکارها و ساختارهای زبان فارسی با زبان اسپانیایی‌اند و نیز پی‌بردن به فاصله زبانی بسیاری که بین هر دو زبان دیده می‌شود، گام بسیار مهمی برای فائق آمدن بر اشکالات زبان‌آموزان به‌شمار می‌رود، زیرا در این دسته از خطاها هیچ‌گونه قرابتی در ساختار جمله‌های فارسی و اسپانیایی دیده نمی‌شود. در حقیقت عامل موثر در برطرف شدن و یا کاهش این دسته از خطاها، آموزگاران و مدرسان زبانند. دووران^۱ (۲۰۱۱، ۶۲) تاکید می‌کند که گزینش مباحثی است که فراگیری آن‌ها برای زبان‌آموزان پیچیده است و نیز شناسایی خطاهایی که برطرف کردن‌شان بسیار دشوار است، از موضوعات بسیار ضروری و مهم در امر آموزش زبان دوم به‌شمار می‌روند. در همین راستا، داکینو^۲ (۲۰۱۶، ۱۲) خاطر نشان می‌کند که برای کاهش خطاها در کلاس، جایی که زبان‌آموزان با محیط زبان مقصد فاصله زیادی دارند، دو عامل اساسی برای به حداقل رساندن خطاهای زبان‌آموزان وجود دارد: الف) ارائه منابع مختلف یادگیری به زبان‌آموزان ب) به‌کار بستن روش‌های موثر آموزش از سوی مدرس. بنابراین، مسئولیت مدرسان به‌عنوان یک‌عامل انسانی برای اصلاح خطاهای زبان‌آموزان اهمیت بسیاری دارد.

1- Durán

2- D'Aquino

۲-۵- خطاهای دارای قرابت با سازوکارهای زبان مبدا

در خطاهای دسته شماره (۲) با ساختارهای ویژه زبان اسپانیایی روبرو خواهیم شد، یعنی به جای کاربرد عناصر طبیعی زبان در جمله، از برخی از عناصر زبان‌شناسی استفاده می‌شود. از جمله می‌توان به جایگزین شدن حرف تعریف معین به جای ضمائر ملکی اشاره کرد.

۱-۲-۵- حرف تعریف معین با ارزش ملکی

یکی دیگر از ویژگی‌های حرف تعریف معین در زبان اسپانیایی این است که این نوع از کلمه می‌تواند دارای ارزش ملکی باشد و جایگزین صفات ملکی شود (کارمه پی‌کایو و ریگاو، ۱۰۱۰، ۱۹۹۹).^۱ نگارنده معتقد است؛ در مواردی که حرف تعریف برای اشاره به اشیا، شخص، بخشی از بدن و یا احساسات جایگزین صفت ملکی می‌شود، از نظر معناشناسی عبارت یا جمله بدون بیان قرابت و نزدیکی نسبت به شی و یا شخص بیان می‌شود، زیرا همانطور که بی‌یو (۱۸۴۷) می‌گوید؛ ماهیت حرف تعریف به گونه‌ایی است که قادر به بیان نزدیکی یا دوری اسمی که آن را همراهی می‌کند نیست. حرف تعریف در عباراتی مانند: *la casa vuestra* (خانه شما)، *el padre mío* (پدرم)، *la mano suya* (دست شما)، *el cariño tuyo* (محبت تو) بر سر اسم آمده و صفت ملکی قوی پس از اسم قرار گرفته است و به این ترتیب بین مالک، شی یا شخص، به نوعی فاصله عاطفی و ذهنی ایجاد کرده است. حال اگر در این مثال‌ها به جای حرف تعریف معین، صفات ملکی ضعیف به کار رود: *vuestra casa* (خانه شما)، *mi padre* (پدرم)، *su mano* (دست شما)، *tu cariño* (محبت تو)، در این صورت صفت ملکی بیانگر مالکیت و نزدیکی بیشتری نسبت به شی یا شخصی است که اسم را همراهی می‌کند. پس صفات ملکی ضعیف علاوه بر نقش تعیین کنندگی، قرابت و احساسات درونی و عاطفی مالک شی را نیز انعکاس می‌دهند. به عنوان مثال زمانی که مادری درباره فرزندش می‌گوید *mi hijo está triste* (a) صفت ملکی (*mi*) که بر اسم مقدم شده است، احساسات درونی مادر به فرزند و نزدیکی فرزندش را به وی نشان می‌دهد، در صورتی که در جمله *el hijo mío está triste* (b) قرار گرفتن صفت ملکی قوی پس از اسم، استفاده از حرف تعریف را قبل از اسم به عنوان یک ضرورت زبانی الزامی می‌کند، چون در زبان اسپانیایی، مگر در مواردی خاص، اسم برهنه و بدون تعیین کننده نمایان نمی‌شود. در جمله (b) حرف تعریف معین (*el*)

نمی‌تواند مانند صفات ملکی (*mi*) در جمله (a) بیانگر قرابت و نزدیکی باشد، بنابراین فاصله‌ای عاطفی بروز می‌کند. پس گوینده اسپانیایی زبان مختار است تا در یک گروه اسمی یکی از دو ساختار: [اسم + صفت ملکی] و یا [صفت ملکی + اسم + حرف تعریف] را با آگاهی از اندک تفاوت معنایی که میان آن دو وجود دارد، به‌کاربرد. البته باید خاطر نشان کرد که معنای جمله‌های (a) و (b) در زبان فارسی یکسانند (پسرم غمگین است)، در حالی که برای یک اسپانیایی‌زبان، استفاده از حرف تعریف به‌جای صفت ملکی در ابتدای اسم (b) با کاربرد صفت ملکی ضعیف در (a) تا حدی بار معنایی متفاوتی دارند که برای زبان‌آموزان ایرانی این تفاوت و ظرافت زبانی چندان ملموس نیست، اما باید یادآور شد که هر دو سازوکار یادشده از نظر ساختار دستوری صحیح‌اند و گوینده به‌اختیار خود یکی از این دو سازوکار را برای بیان نیت خود انتخاب می‌کند.

درباره اعضای بدن و یا لباس نیز در زبان اسپانیایی حرف تعریف معین جایگزین صفت ملکی می‌شود، اما در بررسی پرسشنامه، زبان‌آموزان دچار خطاهایی مانند نمونه‌ای زیر شده‌اند:

جدول ۴: کاربرد حرف تعریف (*el*) به‌جای ضمیر ملکی

خطای زبان‌آموزان در کاربرد نادرست ضمیر ملکی	کاربرد درست با حرف تعریف در اسپانیایی	ترجمه فارسی
Me duele <i>mi</i> cabeza.*9)	9a) Me duele <i>la</i> cabeza.	سرم درد می‌کند.
Lávate <i>tus</i> manos.*10)	10a) Lávate <i>las</i> manos.	دستانت را بشور.
Me pongo <i>mi</i> abrigo.*11)	11a) Me pongo <i>el</i> abrigo.	پالتوم را می‌پوشم.

در جدول شماره (۴) و در جمله‌های شماره (9)، (10) و (11) زبان‌آموزان صفات ملکی (*mi*)، (*tus*) و (*mi*) را به‌اشتباه به‌ترتیب به‌جای حروف تعریف (*la*)، (*las*) و (*el*) به‌کاربرده‌اند، در حالی که جمله‌های شماره (9a)، (10a) و (11a) کاربرد درست حرف تعریف معین را با ارزش ملکی در زبان اسپانیایی نشان می‌دهند. آنچه که امکان استفاده از حرف تعریف را به‌جای صفت ملکی به‌گویندگان اسپانیایی زبان می‌دهد تا مالکیت را انعکاس دهند، وجود افعالی است که همراه با ضمیر^۱ ظاهر می‌شوند. در این مثال‌ها ضمیر *me*، *te* که فعل را

همراهی می‌کنند (*me duele*)، (*lávate*) و (*me pongo*) نقش مفعول غیرمستقیم را در زبان اسپانیایی ایفا می‌کنند و نشان می‌دهند که عضو بدن و یا لباس به چه کسی تعلق دارد. به همین دلیل ضرورتی برای استفاده از صفت ملکی وجود ندارد. این نوع کاربرد حرف تعریف معین با ارزش ملکی در زبان اسپانیایی رایج است و تقریباً در چنین جملاتی صفت ملکی به کار برده نمی‌شود، زیرا استفاده از آن حشو به‌شمار می‌رود.

اگرچه از نظر معنا بیان مالکیت، هم در زبان فارسی و هم در زبان اسپانیایی، یکسان است، اما ساختارهای دستوری و سازوکاری که در این باره در زبان فارسی رایج است بکلی با زبان اسپانیایی متفاوت است. زیرا در زبان فارسی برای اشاره به مالکیت لباس و اعضای بدن، باید از ضمائر شخصی متصل (-م، -ت، -ش، -مان، -تان، -شان) و یا ضمائر شخصی منفصل (من، تو، او، ما، شما، ایشان) استفاده کرد (گیوی و انوری، ۱۸۷-۱۸۶، ۱۹۸۸). در ترجمه فارسی مثال‌های فوق سرم، دستانت، پالتوم ضمائر شخصی متصل به کار رفته و مالک عضو بدن و یا لباس را مشخص می‌کنند. برخلاف زبان اسپانیایی، در فارسی افعالی مانند درد کردن، شستن، پوشیدن نمی‌توانند بیان کنند که عضو یا اعضای بدن چه کسی درد می‌کند و یا لباس متعلق به چه کسی است. در حالی که در زبان اسپانیایی ضمائر فعلی، مالکیت را به روشنی بیان می‌کنند (*me duele, te duele, le duele, ...*). این ویژگی زبان اسپانیایی به‌گونه‌ای آن اجازه می‌دهد که برای پرهیز از تکرار، حرف تعریف معین را به جای صفت ملکی به کار برند یعنی به جای *me duele mi cabeza* گفته می‌شود *me duele la cabeza* اما از آنجایی که چنین افعالی در زبان فارسی ویژگی افعال مشابه‌شان را در زبان اسپانیایی در بیان مالکیت ندارند و از سوی دیگر زبان فارسی فاقد حرف تعریف معین است، بنابراین، زبان‌آموزان ایرانی در چنین مواردی با تأثیر از زبان مبدا به جای حرف تعریف معین و به تبعیت از زبان فارسی از صفت ملکی استفاده می‌کنند، مانند جمله‌های شماره (9)، (10) و (11) که نمونه‌ای از خطاهایی‌اند که در پرسشنامه مشاهده شده‌اند.

در خطای دسته (۲) سازوکاری مشابه با زبان فارسی وجود دارد، اما به دلیل آن که سخنوران زبان اسپانیایی حرف تعریف معین را با ارزش ضمیر ملکی استفاده می‌کنند، از این رو سازوکار طبیعی که در زبان فارسی و در زبان اسپانیایی مشترک است، به شکل عام در زبان اسپانیایی به کار نمی‌رود. اگرچه در این مورد کاربرد ضمائر ملکی به جای حرف تعریف معنای جمله را متأثر نمی‌کند، اما بهتر است زبان‌آموزان از به کار بردن ساختار زبان فارسی در زبان اسپانیایی اجتناب کنند. بنابراین با ارائه نمونه‌هایی همچون مثال‌های فوق، می‌توان زبان‌آموزان

را از پتانسیلی که حرف تعریف معین دارد، آگاه کرد تا در نوشتار و گفتار هر چه بیشتر با ساختارهای رایج و صحیح جملات اسپانیایی آشنا شوند.

۶- نتیجه

مطالعه انجام شده در پژوهش حاضر نشان داد، که تحلیل خطاهای زبان‌آموزان به‌آموزگاران و مدرسان در شناسایی انواع خطاها و منشا آن‌ها و نیز به‌ارائه راه‌حل‌هایی برای برطرف شدن اشکالات کمک می‌کند. همچنین در این تحقیق با تحلیل خطاهای زبان‌آموزان ایرانی در کاربرد حرف تعریف معین اسپانیایی دریافتیم که در یک گروه اسمی در زبان اسپانیایی که حرف تعریف معین (*el*) بر آن مقدم می‌شود، در زبان فارسی با اسمی می‌تواند معادل باشد که فاقد هرگونه تعیین‌کننده‌ای (\emptyset) است، ساختاری که کاربرد آن در زبان فارسی معمول است و از ویژگی‌های این زبان به‌شمار می‌آید، اما در زبان اسپانیایی به‌جز در موارد استثنا، خطای دستوری به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر در این تحقیق به‌استفاده‌های رایج حرف تعریف معین مانند کاربرد حرف تعریف معین به‌همراه اسم در نقش فاعل که از کاربردهای خاص حرف تعریف و یکی از نیازهای زبان اسپانیایی محسوب می‌شود، کاربردهای دستوری آن در حرف تعریف کوتاه شده و حرف تعریف مونث (*el*)، کاربردهای معناشناسی استفاده و یا عدم استفاده حرف تعریف و تاثیر آن در بار معنایی اسم، کاربرد معرفه‌سازی اسم و نیز کاربرد حرف تعریف با ارزش ملکی پرداخته شد. اگرچه حرف تعریف معین به‌عنوان یکی از انواع کلمه عنصری بسیار کوچک در زبان اسپانیایی است، اما کارایی آن بسیار گسترده و وسیع است به‌طوری که می‌توان گفت با تمام دستور زبان اسپانیایی گره خورده است. به‌همین دلیل کاربردهای پیچیده نحوی، معنایی و دستوری آن فراگیری را برای زبان‌آموزان ایرانی دشوار می‌کند، زیرا در زبان مادری خود فاقد عنصری برابر با حرف تعریف اسپانیایی‌اند و در نتیجه از ساختارهای دیگری برای این منظور استفاده می‌کنند. در جستار پیش‌رو، با بیان نظریه‌های مربوط به این مبحث و نیز با تجزیه و تحلیل خطاها، علت اشکالات زبان‌آموزان در به‌کارگیری حرف تعریف معین آشکار شد. خطاهای که می‌توانند به‌دلیل فاصله زبانی میان زبان مبدا و زبان مقصد و یا تحت تاثیر زبان مبدا و یا به‌خاطر دوری از محیط زبان اصلی و یا به‌دلیل نداشتن تمرین کافی زبان‌آموز بروز کنند. چنین خطاهای با کمک آموزش قواعد دستوری و معناشناسی که در هر بخش به‌آن‌ها اشاره شد برطرف می‌شوند و یا به‌حداقل می‌رسند و به‌زبان‌آموزان امکان درک صحیح را از عملکرد و ارزش‌های متفاوت حرف تعریف معین

می‌دهند تا به این ترتیب بر اشکالات خود در کاربرد این عنصر مهم در دستور زبان اسپانیایی فائق آیند و یا از میزان لغزش آن‌ها در به‌کارگیری آن کاسته شود. نباید فراموش کرد که تمرین و ممارست و انگیزه از عوامل اصلی رفع خطاها در یادگیری زبان دوم می‌باشند. اما بدون تردید، مدرسان و اساتید نیز با تجزیه و تحلیل خطاها می‌توانند گام موثری در امر آموزش و یادگیری اسپانیایی به‌عنوان زبان دوم بردارند. با توجه به وسعت مبحث حرف تعریف و نیز پیچیده بودن ماهیت آن نیاز به مطالعات بیشتر در این زمینه ضرورت دارد، تا بتوان برای کامل کردن کتاب‌های آموزشی موجود، منابع ویژه‌ای در این باره ارائه داد و به یادگیری هرچه بیشتر آن به علاقمندان کمک کرد.

۷- منابع

- Álvarez Martínez, Ma. Á. (1986): *El artículo como unidad funcional en el español de hoy*. Gredos, Madrid, 1ª ed.
- Alonso, A. (1933): "Estilística y gramática del artículo en español" en: *Estudios Lingüísticos (Temas españoles)*. Gredos, Madrid, 3ª ed., (1967); págs. 125-160.
- Ariza Viguera, M. (1998): "Comentario en morfosintaxis histórica" en *El comentario filológico de textos*. Arco Libros, S. L., 2ª ed. Madrid, (2002); págs. 32-59.
- Bally, Ch. (1944): *Linguistique générale et linguistique française*. Francke, Berna, 2ª ed., (1965).
- Belletti, A. y Rizzi, L. (1987): "Los verbos psicológicos y la teoría temática ||" en: V. Demonte y M. Fernández Lagunilla: *Sintaxis de las lenguas románicas*. El arquero, Madrid, págs. 60-120.
- Bello, A. (1847): *Gramática de la lengua Castellana (destinado al uso de los americanos)*. Con las notas de Rufino José Cuervo. EDAF, Madrid, (1982).
- Bosque, I. (1996): "Por qué determinados sustantivos no son sustantivos determinados. Repaso y Balance" en: I. Bosque: *El sustantivo sin determinación, la ausencia de determinante en la lengua española*. Visor Libros, S.L., Madrid; págs. 13-119.
- Demonte, V. (2000): *Gramática Descriptiva de la Lengua Española (sintaxis básica de las clases de las palabras)*, volumen I. Espasa Calpe, Madrid; págs. 973-1023.
- Carne Picallo, M. y Rigau, G. (1999): "El posesivo y las relaciones posesivas" en: I. Bosque y V. Demonte: *Gramática Descriptiva de la Lengua Española (sintaxis básica de las clases de las palabras)*, volumen I. Espasa Calpe, Madrid, (2000); págs. 973-1023.
- Comrie, B. (1987): *The World's Major Languages*. Croom Helm.

- Corder, P. (1967): “*The Significance of Learner's Errors*”, en *International Review of Applied Linguistics*, núm. 5.4, pp. 161-170.
- D'Aquino, A. (2016): *¡De los errores se aprende!* La corrección como instrumento didáctico. *Didáctica de la Lengua y de la Literatura*; pág. 7-13, 71.
- Durán, R. (2011): *Guidelines for Error Correction in the EFL Classroom*. En S. House (Coord.). *Investigación, innovación y buenas prácticas*. (pp. 61- 67). Barcelona: Graó.
- Fernández López, S. (1991). *Análisis de errores e interlenguas en el aprendizaje del español, como lengua extranjera*, Tesis doctoral inédita, Madrid, Universidad Complutense de Madrid.
- Guivi, H. A. y Anvari, A. (1988): *Dastūre zabāne fārsi (2)*. Enteshārāt Moaseseye Farhanguie Fātemi. Čāpe sewom (3), Tehran. [*Gramática de la lengua persa (2)*. Editorial Instituto cultural Fātemi. 3ª ed., Teherán, (2007)].
- Instituto Cervantes (2017): “El español: una lengua viva. Informe 2017”, Disponible en: https://cvc.cervantes.es/lengua/espanol_lengua_viva/pdf/espanol_lengua_viva_2017.pdf. Fecha de consulta: 04/04/2019; pág. 10.
- Lado, R. (1957): *Linguistics across Cultures*. Ann Arbor, University of Michigan Press.
- Leonetti, M. (1999): “El Artículo” en: I. Bosque y V. Demonte: *Gramática Descriptiva de la Lengua Española (sintaxis básica de las clases de las palabras)*, volumen I. Espasa Calpe, Madrid, (2000); págs. 787-890.
- Māhūtiān, Š. (1999): *Dastūre zabāne fārsi az didgāhe rade-šenāsi*. Tarjome-ye M. Samāey. Enteshārāte Našre Markaz; Čāpe panjōm (5), Tehran. [*Gramática de la lengua persa, desde el perspectiva de tipología lingüística*. Traducido por M. Samāey. Editorial Našre Markaz, 5ª ed., 2008].
- Moreno Fernández, F., (2007) *Didácticas del Español/LE "La lingüística contrastiva como herramienta para la enseñanza de lenguas"* - Arco Libros, S. L., 2ª ed. Madrid págs. 12-30.
- Morimoto, Y. (2011): *El artículo en español*, Madrid: Edhasa (Castalia).
- Parvizi, P. (2013): *Estudio de las causas de los errores de los alumnos iraníes en el uso del artículo en español*. N° (2), otoño e invierno 2013. Revista de la Universidad de Teherán.
- Real Academia Española (2009): El artículo (I). Clases de artículos. Usos del artículo determinado. En *Nueva Gramática de la Lengua Española. Morfología Sintaxis I*. Madrid: Espasa Libros, S.L.U., 1023-1086.
- Saito, A. (2005): *Análisis de errores en la expresión escrita de los estudiantes japoneses*. Memoria de máster. Universidad de Salamanca.